ایده سرباز نیروی دریایی آمریکا برای هدفمندکردن زندگی کهنه‌سرباز

امدادرسانی مانع خودکشی کهنه‌سربازان آمریکایی

مشاهدات کهنه‌سربازان از آسیب‌های زلزله هائیتی از آنچه در جنگ دیده بودند وحشتناک‌تر بود

بحران سلامت روحی کهنه‌سربازان آمریکایی دلیل پیدایش یکی از بزرگترین سازمان‌های امدادرسانی

یاسمن طاهریان | «جیکوب» جیک «وود» و «ویلیام مک‌نالتی» دو تن از تفنگداران دریایی ایالات متحده آمریکا در سال ۲۰۱۰ فعالیت‌های خود را برای تأسیس سازمان مردم‌نهاد «تیم روبیکان» آغاز کردند. آنها دو هدف منحصر به فرد را در نظر داشتند: امدادرسانی هنگام وقوع بحران‌های طبیعی و هدفمندکردن زندگی سربازان کهنه‌کار. کایل دیکمن، دبیر پیشین مجله Outside در مقاله‌ای درباره هدف وود از تشکیل این سازمان توضیح می‌دهد. «جیک وود»، تک‌تیرانداز نیروی دریایی، یک‌سال پس از بازگشت از جنگ افغانستان، «تیم روبیکان» را تأسیس کرد. وود ۲۶ساله در خانه‌اش در بوربنک کالیفرنیا روی مبل نشسته بود که ۲۰کیلومتر آن‌طرف‌تر گسل‌های ناشناخته‌ای باعث وقوع زمین‌لرزه‌ای به بزرگی ۷ریشتر شد. ۱۶۰هزار نفر کشته و یک‌میلیون نفر آواره شدند. یک هفته نشد که وود خود را به منطقه زلزله‌زده رساند و مشغول آتل بستن به پای شکسته دختری ۱۴ساله شد. او با این کار برای خود راه فراری از دوران کسالت‌بار بعد از خدمت پیدا کرده بود.

وود در سفرش به هائیتی تنها نبود. چهار روز پس از وقوع زلزله، تیم هشت‌نفره‌ای از داوطلبان، شامل دو پزشک، «ویلیام مک‌نالتی»، دومین بنیانگذار تیم روبیکان و نیروی اطلاعاتی در عراق و «مارک هی‌وارد»، پزشک بازنشسته نیروهای ویژه ارتش با وود همراه شدند. مک‌نالتی ۳۲ساله، برنامه‌ریز بااستعداد و پرشور ساکن واشنگتن دی.سی فردی را در سفارت هائیتی می‌شناخت. او توانست از سفارت اجازه بگیرد تا تیمی را به همراه تجهیزات دارویی به آن‌جا بفرستد. اعضای این تیم هیچ شناختی از یکدیگر نداشتند اما همه یک هدف داشتند: اجرای عملیات ویژه کمک‌رسانی.

پنج روز بعد از وقوع زلزله، سازمان‌های مردم‌نهاد دست از کار کشیدند تا وضعیت هائیتی به ثبات برسد. تیم روبیکان ابتدا در کشور همسایه، جمهوری دومینیکن، مستقر شد تا بار تجهیزات دارویی‌شان به هائیتی برسد. آنها فقط چند ساک دستی پر از دارو به همراه داشتند. راننده ۷۰ساله هائیتی‌تباری آنها را از دومینیکن به پورتوپرنس، پایتخت هائیتی برد.

به محض رسیدن به حومه شهر، آثار خرابی قابل مشاهده بود. آوار خیابان‌ها را بسته بود. افرادی که خانه‌هایشان را از دست داده بودند زیر درختان نخل با سیم‌های برق آویزان نشسته بودند. به نظر می‌آمد چندین ساختمان باقیمانده هم با وزش باد تندی فرو خواهد ریخت. با این‌حال، وزش باد تند در آب و هوای گرمسیری که با بوی بد اجساد فاسد قاطی شده، آرزوی امدادرسانان بود. بعضی صحنه‌ها بدتر از چیزی بود که در مناطق جنگی دیده بودند. زلزله به هیچ‌کس رحم نکرده بود.

روز بعد، تیم روبیکان ۲۲۰ مریض را ویزیت کرد. مک‌نالتی می‌گوید: «از داروهای رایج در زمان جنگ داخلی استفاده می‌کردیم.» فقط با بوی بدن بیمار می‌توانستند تشخیص دهند که قانقاریا گرفته است. دست یکی از بیماران باید قطع می‌شد، اما اره استخوان‌بر در دسترس نبود. او را به همراه مردی که سه روز زیر آوار گیر کرده بود و از خونریزی داخلی درحال مرگ بود به بیمارستان فرستادند.

در این شرایط بحرانی، این نوع بیماری‌ها کاملا عادی به شمار می‌رود، اما داستان پسربچه‌ای چهار ساله کاملا متفاوت بود. مارک هی‌وارد در دفترچه خاطراتش می‌نویسد: «آن پسربچه در ذهنم مانده چون تنها کسی بود که از درد فریاد می‌کشید. زخم‌های روی پایش عمیق بود و ما نه آرام‌بخشی داشتیم، نه دارویی و نه سرمی.» آنتی‌بیوتیک‌هایشان هم رو به اتمام بود.

روز سوم، تیم روبیکان کنترل بزرگترین بخش اورژانس را به دست گرفت. پرستاران و داوطلبان بدون حضور هیچ دکتری این بخش را اداره می‌کردند. میزان دارو بسیار کم بود. تنها داروی آرام‌بخش بروفن بود و یک جفت جوراب تمیز تا آن را از شدت درد گاز بگیرند. وود و مک‌نالتی از شدت فاجعه اشک می‌ریختند و از سرعت رسیدگی خشمگین بودند.

سرنوشت ۱۵۰بسته تجهیزات پزشکی که با پست هوایی به پورتوپرنس ارسال شده بود، خشم آنها را بیشتر کرد. ارتش آمریکا در فرودگاه هائیتی پایگاهی برای جمع‌آوری بسته‌های کمکی راه‌اندازی کرده بود و توزیع بسته‌ها را کنترل می‌کرد. شایعه شده بود که نیروهای مسلح غذا، آب و دارو را ضبط و انبار کرده‌اند. به تیم روبیکان گفته بودند تا زمانی که اوضاع امن‌تر نشود بار آنها ترخیص نخواهد شد. ممکن بود هفته‌ها یا ماه‌ها طول بکشد. بسیاری از بیماران چند ساعت هم وقت نداشتند. مک‌نالتی به سرعت به پایگاه رفت و خواستار ترخیص بارشان شد. یکی از سرهنگ‌های نیروی مسلح به او گفت: «شما سازمان مردم‌نهاد هستید. این‌جا حوزه اختیارات من است و من به این تجهیزات نیاز دارم.»

مک‌نالتی در یونیفرم خدمتش که کهنه شده به همراه گروهی از محلی‌ها وارد پایگاه شدند و بار تیم روبیکان را برداشتند و به بیمارستان بردند. دست و پایشان می‌لرزید و آدرنال خونشان بالا رفته بود. مک‌نالتی دایما تمام اخبار مربوط به تیم را در وبلاگ وود به نام «زندگی جیک» می‌نوشت. در میان سیل جملات اعتراضی، تکرار یک جمله بسیار به چشم می‌خورد: «بروکراسی مردم را به کشتن می‌دهد.»

در ژانویه ۲۰۱۶، وود که حالا ۳۲ساله است در سالنی بزرگ در هتل هیلتون نشسته که از پنجره آن می‌توان زمین گلف و اقیانوس آرام را تماشا کرد. او و ۱۵۰ کارشناس برتر بیمه برای حضور در نشستی به کالیفرنیا آمده بودند. وود، مدیرعامل تیم روبیکان، در ۶ماه گذشته بیست‌بار سخنرانی کرده؛ او همچنین با استیون کولبرت، مجری پربیننده‌ترین برنامه تلویزیونی مصاحبه کرده بود. او در آخرین کنفرانس خود در اورلاندو، ۲۷۵هزار دلار جمع‌آوری کرده بود.

قد وود ۲ متر، ظاهرش آراسته و کت و شلوار شیکی بر تن دارد. سخنرانی‌اش را با چند شوخی درباره فوتبال آمریکایی شروع می‌کند. خودش در دانشگاه ویسکانسین به‌عنوان بازیکن مهاجم بازی می‌کرده است. سخنرانی‌اش را همانند سخنرانان برنامه TED به پایان می‌رساند. محور اصلی سخنرانی‌اش این است که چگونه توانسته با بکارگیری مهارت‌های رزمی کهنه‌سربازان، سازمان امدادرسانی را در آمریکا به‌وجود بیاورد که به سرعت درحال رشد است.

شش‌ماه بعد از ماموریت هائیتی، تیم روبیکان توانست ۴۷ کارمند را استخدام کند. بیش از ۳۵هزار نفر داوطلب شدند که سه‌چهارم آنها را کهنه‌سربازان تشکیل می‌دادند. ماهی ۸۰۰نفر ثبت‌نام کردند. امروزه این سازمان جهانی شده که نقش فعالیت‌های آن در انگلستان هم پررنگ است. برنامه بعدی آنها تاسیس شعبه‌های بیشتر در آلمان، نروژ و استرالیاست. بودجه سال گذشته این سازمان به ۸میلیون و دویست‌هزار دلار رسید.

هدف این سازمان، همانند بسیاری از سازمان‌های امدادگر، امدادرسانی به افراد نیازمند بعد از وقوع بحران‌های طبیعی است. اما در سخنرانی وود هدف ثانویه‌ای مشخص شد که این سازمان را به یکی از پرپول‌ترین سازمان‌های خیریه تبدیل کرده: اشاره او به بحران سلامت روحی کهنه‌سربازان آمریکا بعد از دو جنگ پیاپی است. ارتش به سربازان هدف می‌دهد؛ بازگشت به خانه آنها را سرگردان می‌کند. ۵۰درصد از کهنه‌سربازان آمریکایی بازمانده از جنگ عراق و افغانستان در میان هم‌قطارانشان کسی را می‌شناسند که خودکشی کرده است. کشمکش آنها برای برقراری ارتباط دوباره با محیط یکی از دلایل خودکشی آنهاست. وود در سخنرانی‌اش می‌گوید: «چه می‌شود اگر بتوانیم با ۲،۵میلیون سرباز کهنه‌کار سازمانی درست کنیم که کار خیر انجام دهد؟»

با این‌که سرعت رشد این سازمان بالا بود، اما سال ۲۰۱۵ تنها ۱۳۷۴ نفر از کل ۳۳هزار نیروی آن به ۳۸ عملیات کمک‌رسانی اعزام شدند. هزاران داوطلب سالانه ثبت‌نام می‌کنند و سرمایه‌های بیشتری با خود می‌آورند. این موضوع وود را به چالش کشید: آیا او قادر خواهد بود فرمول ثابتی برای کهنه‌سربازان تعیین کند تا آنها همیشه مشغول به انجام کاری باشند؟

وود در سخنرانی ۲۰دقیقه‌ای، داستان زندگی‌اش را از زمانی که بازیکن فوتبال آمریکایی بود، دوران خدمتش در نیروی دریایی و مدیرعامل شدنش تعریف کرد تا آرام‌آرام به نکته نهایی‌اش برسد: «ما می‌خواهیم سازمانی درست کنیم که بیشترین میزان توانایی را داشته باشد. می‌خواهیم یکی از بهترین سازمان‌های امدادرسانی باشیم.» این سخنرانی با تشویق فراوان کارشناسان بیمه به پایان رسید.

بعد از سخنرانی وود، از او پرسیدم که آیا همیشه کت و شلوار می‌پوشد یا نه؟ با جدیت تمام به شوخی گفت: «برو بابا.» او خود را نماینده برند تیم روبیکان می‌داند و کاملا آگاه است که مردم درباره او چه تصوری دارند. ظاهرش مانند مدل‌های مجله GQ است که بدون‌شک باعث شد در سال ۲۰۱۱ به‌عنوان مرد برگزیده در بخش «مردان بهتر، دنیای بهتر» انتخاب شود. از این‌که همکارانش او را در کت و شلوار تصور کنند، خوشش نمی‌آید. زمانی که کمک جمع نمی‌کند خودش پابه‌پای دیگران در عملیات امدادرسانی کار می‌کند. وود می‌گوید: «من نخستین داوطلب بودم. حالا به آن چیزی که از آن متنفرم تبدیل شده‌ام: افسر پشت پرده.»

رفتار وود نشان‌دهنده آن است که دنیا به تمام وعده‌هایش عمل کرده است، به روش‌های مختلف. او در خانواده ثروتمندی در آیووا به دنیا آمده و بورسیه کالج بخش یکم را در رشته فوتبال آمریکایی به دست آورده است. از بچگی شیفته سربازان نیروی دریایی بوده است. الگویش «پت تیلمن»، بازیکن NFL بود که به ارتش کماندوها پیوست و در سال ۲۰۰۴ در افغانستان کشته شد. وود نمی‌خواست افسر بشود پس به‌عنوان «در شکن» ثبت‌نام کرد. بعد از ۴سال خدمت به‌عنوان سرباز پیاده، سال ۲۰۰۹ خدمت را با مدال تقدیر و ستایش دریایی و دریانوردی با برتری در «عملیات هنگام آتش» ترک کرد.

از زمان تأسیس تیم روبیکان با سه رئیس‌جمهوری آمریکا دیدار داشته و با ایندرا پترسون خبرنگار سی‌ان‌ان در بخش آب‌وهوا ازدواج کرده است.

فعالیت‌های تیم روبیکان ادامه خواهد داشت چون وود همچنان تحت تأثیر سفرهایش در عراق و افغانستان است. سال ۲۰۰۷ را به عنوان پیاده‌نظام در عملیات مثلث مرگ (نام عملیات آمریکا و نیروهای ائتلافی در بغداد که از سال ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۰ طول کشید) در منطقه‌ای بسیار خطرناک در غرب بغداد گذراند. سه هفته بعد از نخستین ماموریتش، بمب کنارجاده‌ای، خودروی جلویی کاروان را منفجر کرد. گروهبان با ترکشی که به اندازه پرتقال به ساق پایش فرو رفته بود از خودرو به بیرون غلتید. وود ۲۵ساله جایگزین او شد. بعد از ۲۲هفته در عراق، نام خود را وارد لیست جدیدی کرد و به مدرسه تک‌تیراندازان نیروی دریایی پیوست. وود می‌گوید: «کادوی فارغ‌التحصیلی‌ام بلیت اعزام به ولایت هلمند در افغانستان بود.» او دوره بعدی را با «گردان دوم» در «هنگ دریایی هفتم» گذراند که در آن شاهد نبردهای سنگین و زیادی بود؛ بیست نفر از اعضای تیم او کشته شدند و بیست‌ودو نفر نقص عضو شدند.

بعد از عملیاتش در هائیتی، وود در دانشگاه UCLA مشغول به تحصیل شد؛ اما خیلی زود متوجه شد که مدرسه تجارت هدفی را که او در ارتش داشت، کم دارد. امدادگری جواب این نیاز بود. یک سال بعد از زلزله، او و ترکیبی از هشت نفر از اعضای اصلی تیم روبیکان به همراه داوطلبان بسیاری برای کمک‌رسانی به زلزله شیلی (فوریه ۲۰۱۰)، سیل پاکستان (آگوست ۲۰۱۰) و بحران پناهجوها در برمه (آگوست ۲۰۱۰) و سودان (فوریه ۲۰۱۱) اعزام شدند. تمرکز اصلی آنها عملیات‌های خبرساز بین‌المللی بود. پیغام وود و مک‌نالتی این بود که تیم روبیکان «الگوی جدیدی در نحوه واکنش به بحران و گردهم آوردن کهنه‌سربازان است».

رسانه‌ها هم شیفته داستان تیم روبیکان شدند. وود هنگام خدمتش در ارتش وبلاگ محبوب «زندگی جیک» را راه انداخت که قبل از عملیات هائیتی روزانه ۱۰هزار و بعد از آن ۲۵هزار خواننده داشت. این وبلاگ به همراه گزارش «اندرسون کوپر» خبرنگار سی‌ان‌ان در پورتوپرنس و گروهی از خبرگزاری‌های دیگر به شهرت این سازمان کمک کرد. زمانی که میزان کمک‌رسانی‌ها شدت گرفت، گزارش عملکرد تیم روبیکان در مجله‌هایی مانند مردم (People)، تایم، نشنال جغرافی و NPR چاپ شد. وود و مک‌نالتی بسیار هوشمندانه در هائیتی ۱۴۰هزار دلار سرمایه جمع‌آوری کردند و تا پایان سال این رقم را به ۲۷۵هزار دلار رساندند. وود تا آن زمان به امدادگری به عنوان یک شغل نگاه نکرده بود؛ اما در ۳۰مارس ۲۰۱۱ اتفاقی افتاد که دیدش را نسبت به تیم روبیکان عوض کرد: کلی‌هانت، یکی از دوستان بسیار نزدیکش، در خانه‌اش در هیوستون با ضرب گلوله‌ای خودکشی کرد.

هانت نهمین داوطلب تیم روبیکان بود. او و وود از مدرسه تک‌تیراندازی با هم فارغ‌التحصیل و به افغانستان اعزام شدند. با این‌که هانت نتوانست با پرواز اول به هائیتی برود، اما چند روز بعد رسید. محل استقرار تیم روبیکان را با استفاده از مشخصات جی‌پی‌اس یکی از عکس‌های وبلاگ وود توانست پیدا کند. او انسان متعهدی بود. با این‌که از اختلال استرس پس از سانحه PTSD رنج می‌برد، در دو عملیات امدادرسانی دیگر هم شرکت کرد.

مشکل هانت در سال ۲۰۰۸ شروع شد، زمانی که تک‌تیرانداز دشمن در عراق به مچ دستش شلیک کرد. آسیب آن دردناک بود اما نه به اندازه این‌که مجبور شود به خانه برگردد: هانت احساس می‌کرد که تیمش را تنها گذاشته. وقتی که به خانه برگشت و زخمش خوب شد، در کنگره لابی‌گری کرد تا برای کهنه‌سربازان کمک‌های مالی بیشتری جمع شود. در همین حال برای درخواست کمک از وزارت امور کهنه‌سربازان آمریکا برای بیماری‌اش مبارزه می‌کرد.

نخستین‌بار که برای امدادرسانی به هائیتی رفت، نوشت: «برای خودم هدف تازه‌ای پیدا کرده‌ام که از وقتی که از USMC (تفنگداران دریایی آمریکا) جدا شده‌ام، گم کرده بودم.» او به هیجان کمک‌های امدادی معتاد شده بود. بعد از هر عملیات تیم روبیکان افسردگی‌اش بیشتر می‌شد.

وود به من در هتل هیلتون گفت: «همه می‌گویند خودت را سرزنش نکن، اما من نمی‌توانم قبول کنم. صادقانه بگویم، همان‌طور که کلی قبل از مرگش حالش بدتر می‌شد، من او را بیشتر از خودم دور می‌کردم؛ چون می‌گفتم ببین رفیق تو حال من را می‌گیری؛ خودت را اصلاح کن.» خودکشی هانت باعث شد وود خودش را مقصر بداند و دچار اختلال استرس پس از حادثه شود که هنوز با آن دست‌وپنجه نرم می‌کند.

وود می‌گوید: «می‌دانم که من کلی را نکشتم، اما به او مدیون بودم.» وود نتیجه می‌گیرد که اگر تیم روبیکان به هانت فرصت همکاری بیشتری می‌داد، دوست صمیمی‌اش الان زنده بود. در حالی که نگاهش به جای دیگری بود، ادامه داد: «هر روز به این موضوع فکر می‌کنم. هنوز بعضی روزها آن‌قدر به آن فکر می‌کنم که از خودم متاثر می‌شوم. حقیقت تلخ این است که مرگ کلی تاثیر بسیار مثبتی بر سازمان گذاشت.»

خانواده هانت در تگزاس بسیار ثروتمند بوده و روابط بسیاری دارند. در مراسم ختم هانت پدر و مادرش از دوستانشان خواستند که به یاد پسرشان و به منظور جلوگیری از خودکشی‌های دیگر به تیم روبیکان کمک کنند؛ ۲۰هزار دلار جمع شد. دو هفته بعد از مراسم ختم وود تصمیم گرفت که تیم روبیکان را به شغل ثابتش تبدیل کند.

او می‌گوید: «به نظر میاد هر ماه یک تلفن به من زده می‌شود؛ یک نفر دیگه هم مرد.» از یگان ۱۲۰۰ نفره وود به عنوان «گردان فراموش‌شده» یاد می‌شد چون هانت یکی از پانزده نفری است که تا به امروز بعد از جنگ خودکشی کرده است؛ بیش از هر گردان دیگری در ارتش آمریکا. «چهار هفته پیش یکی دیگر از اعضا خودکشی کرد. دو روز بعد از آن شخصی به من تلفن زد و داد و بیداد می‌کرد.» یکی از سربازان گردان، ۲۰۰ تا قرص را با هم قورت داده و با سرعت ۱۲۰کیلومتر بر ساعت به سمت سانتا باربارا رانندگی می‌کند. درنهایت پشت فرمان از هوش می‌رود، از جاده منحرف می‌شود و ماشینش چپ می‌کند. پلیس کنار جاده با شست‌وشوی معده‌اش جانش را نجات می‌دهد. بر سر گردان من هم چنین اتفاقات وحشتناکی افتاده است.»

وقتی که دیگر اخباری از سیل کلمبیا در کارولینای جنوبی وجود نداشت، مردم هم آن را فراموش کردند. از سال ۲۰۱۵ هنوز خیلی از کلمبیایی‌ها با عواقب آن دست و پنجه نرم می‌کنند. طی ۴۸ ساعت طوفان یوهاکین باعث شد ۶۰ سانت بر خط ساحلی این ایالت باران ببارد. تخمین زده شد به ۲۸هزار خانه در کل ایالت خسارت وارد شده است.

عملیات پاک‌سازی شهر «پالمتو پانچ» نام گرفت. قبل از بالا آمدن آب، یکی از هماهنگ‌کنندگان تیم روبیکان در کارولینای جنوبی، با استفاده از گزارش‌های اطلاعاتی که داوطلبان جمع‌آوری کرده بودند، تخمین زد که به چه تعداد نیرو و در چه محل‌هایی نیاز دارند. او از داوطلبان محلی و منطقه‌ای در ایمیلی درخواست کرد تا در حالت آماده‌باش باقی بمانند. سپس طوفان به سواحل شرقی آمریکا رسید. کارولینای شمالی و جنوبی، مریلند و ویرجینیا، همه ایالت‌ها در حالت اضطراری قرار گرفتند. وقتی که آب به عقب برگشت، ۱۲۹ نفر از اعضای تیم روبیکان در کارولینای جنوبی داوطلب شدند. آنها با استفاده از بلیت‌های مجانی که شرکت هواپیمایی Southwest اهدا کرده بود، به منطقه اعزام شدند. «مرکز لجستیک گارد ایالت کارولینای جنوبی» تختخواب سفری و زیرانداز چوبی به همراه غذای گرم آماده‌شده توسط تایسون فودز را در اختیار داوطلبان قرار داد.

۱۰روز بعد از وقوع طوفان، در یک روز آفتابی به همراه جیمی لووت، اهل کنتاکی و عضو سال اولی تیم روبیکان برای تهیه گزارشی به محل رفتیم. در حالی که به آهنگ «اخطار» گروه Grateful Dead گوش می‌دادیم، وارد محله بلت‌لاین جنوبی شدیم. محله‌ای که ساکنان ۱۵۰خانه آن از طبقه متوسط جامعه بودند. سیل، جاده پهنی را که از آن محله می‌گذشت از بین برده بود. داوطلبان بسیاری با جلیقه‌های ایمنی آوار را جابه‌جا می‌کردند. خطر، خطر، خطر بر روی نمای آجری یکی از خانه‌ها با اسپری نوشته شده بود. روی پنجره طبقه دوم سومین خانه ایکس نقاشی شده بود. لووت می‌گوید: «یکی از افراد جست‌وجو و نجات با قایق آن را نوشته. این مرا یاد خاطرات گذشته‌ام می‌اندازد.»

لووت ۳۶ ساله در ۲۰سالگی‌اش نجات غریق بالگرد NAVY H60 بوده است. او در زمان طوفان کاترینا به نیواورلئان اعزام شد و به خوبی به یاد دارد در حالی‌که قربانیان روی سقف خانه‌ها با چراغ‌قوه تقاضای کمک می‌کردند، او باید به پایگاه برمی‌گشت تا سوخت بگیرد.

پس از مرگ هانت، تیم روبیکان بیشتر بر عملیات‌های داخلی متمرکز شد. رعایت قوانین را در دستورالعمل کاری خود قرار داد. ممکن است قوانین بی‌ثمر به نظر بیاید، اما وود توضیح می‌دهد که روند کار را راحت‌تر می‌کند پس تیم روبیکان هم راحت‌تر می‌تواند به قربانیان و داوطلبان کمک کند. از سال ۲۰۱۱، اعضای تیم روبیکان به بیش از ۱۲۵ بحران کمک‌رسانی کرده‌اند. براساس معیارهای سازمان مدیریت بحران فدرال FEMA این کمک‌ها معادل هفت‌میلیون دلار بوده است.

آموزش نیرو یکی از فاکتورهای مهم پیشرفت تیم روبیکان بوده است. قبل از آن‌که داوطلبان به کلمبیا اعزام شوند، تیم روبیکان هزینه دوره آنلاین درس‌های واکنش به بحران را برای هر نفر پرداخت کرده بود. تیم کوچکی از اعضای باتجربه که وظیفه ساماندهی لجستیکی، عملیاتی، امور مالی و ایمنی را برعهده دارند، کلاس‌های به خصوصی را از طریق FEMA گذراندند.

تیم روبیکان با «دفتر مدیریت زمین» BLM قراردادی را امضا کرد تا اعضا را برای خاموش‌کردن آتش‌سوزی‌های زمین‌های بایر مجانی آموزش و به آنها برای کاری که انجام خواهند داد، حقوق دهند. سال گذشته BLM ۶۹۰هزار دلار برای آموزش و اعزام ۱۹۱ نفر از داوطلبان تیم روبیکان هزینه کرد تا با آتش‌سوزی‌های بزرگ مبارزه کنند. وود همچنین می‌خواهد فعالیت‌های خود را از کمک‌رسانی در مواقع بحران به آماده‌سازی جامعه قبل از وقوع بحران و نحوه بازسازی پس از ترومای اولیه گسترش دهد. تیم روبیکان برای دیگر شعبه‌های خود در دنیا هم از استخدام کهنه‌سربازان برای کمک‌رسانی استفاده می‌کند. حتی شاهزاده هری هم برای کمک‌رسانی به زلزله نپال، به همراه کهنه‌سربازان انگلیسی اعضای تیم روبیکان به آن‌جا رفت.